

آثار شکر گزاری از دیدگاه آیات و روایات

فاطمه السادات محمدی آشتیانی¹

چکیده

در این تحقیق نمونه هایی از آثار و روش های شکرگزاری از نگاه آیات و روایات مورد بررسی قرار گرفت. شکر یعنی قدردانی از نعمت ها با قلب و زبان و عمل که به دو گونه تکوینی و تشریعی است و همچنین تشکر از دیگران نمونه های شکرگزاری از کسانی است که در حق انسان ابراز لطف کردند، نحوه بر خورد با افراد بی تفاوت، تاثیر شکرگزاری بر فرد و جامعه و عوامل شکر گزاری مانند: توجه به وعده ازدیاد نعمت، افزایش روزی و استمرار و تداوم آن و معادله شکر و صبر، استدراج، سجده شکرواهمیت و فضیلت آن و خوش بینی و حسن ظن به خداوند و تاثیر شکر بر سلامتی و همچنین عوامل ناشکری همچون عدم معرفت به نعمت ها، ناچیز شمردن نعمت ها و مقایسه با سایر افراد در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت، هدف این مقاله توجه به شکرگزاری و آثار و روشهای آن است از آنجایی که آرامش روحی و ذهنی و فاصله از اضطراب و افسردگی و شادکامی و خوشحالی بسیار بر اهمیت است و جامعه سالم جامعه شاد است با افرادی با تمرکز که در مسیر اهداف شان هستند اهمیت شکرگزاری بیشتر نمایان میشود، چرا که شکرگزاری در لحظات خوب و خوشی باعث درونی تر شدن شادی ایمان و امید است و در لحظات سختی باعث کم شدن بار مشکلات است جمع آوری این مطالب به روش کتابخانه ای و تدوین آن به روش توصیفی تحلیلی است.

کلیدواژه: آثار-انسان-زندگی-شکر

¹ دانش آموخته سطح 2 حوزه علمیه خاوران امام خمینی شهرستان آشتیان

یکی از ارزشهای زندگی انسان های صالح شکرگزاری است. شکر به معنای قدر دانی و قدر شناسی و تشکر از نعمت دهنده حقیقی یعنی خداوند است، درنگاهی میتوان صبر و شکر را دوشاخه ایمان دانست که صبر نشانگر زیبایی برخورد مومن با بلاها و گرفتاری هاست و شکر نشانگر زیبایی برخورد مومن با نعمت های زندگی است. شکرگزاری و قدر دانی در زندگی پراهمیت و ضروری است، چراکه این ویژگی خوب و مثبت میتواند باعث رشد و بهبود روابط و شرایط زندگی شود و پیشرفت و شادی را به وجود بیاورد، انجام شکرگزاری به مرور تاثیر خود را خواهد گذاشت و افراد شکر گزار از شادی و خوشحالی درونی بیشتری برخوردار خواهند بود، همچنین این افراد میتوانند ارتباط قوی تری با خدای خود داشته باشند و ایمان و امید در دلشان تقویت میشود و در نتیجه به آرامش روحی و ذهنی بیشتری خواهند رسید و از افکار منفی و افسردگی فاصله بیشتری خواهند گرفت.

در پیشینه این تحقیق کتاب و مقالاتی چند به رشته تحریر درآمده است که نمونه آن عبارتند از:

شکر از دید گاه قرآن کریم نوشته علی اصغر حسینی رویکردی است قرآنی و روایی در مورد شکر. در این پژوهش ابتدا به بررسی مفهوم شکر و درجات آن پرداخته شده و سپس وظیفه مردم در شکرگزاری از نعمت های ظاهری و باطنی از دیدگاه قرآن کریم و روایات بررسی می گردد. نگارنده شکر را حکمت الهی و موجب امتحان خداوند دانسته و آن را زمینه ساز ایمان و نورانیت قلب و روح انسانها ارزیابی می کند. از نظر قرآن کریم شکرگزاران واقعی بسیار اندکند و عذاب الهی به نوعی پاسخ مناسبی به ناسپاسان و کسانی است که کفران نعمت می کنند. وی در مورد ابعاد شکر، شکر در قبال نعمت ولایت، علم و دانش، پدر و مادر، توبه، هدایت و استقرار نظام اسلامی را عنوان کرده و سرانجام کار شاکران و ناسپاسان را از دیدگاه قرآن بیان نموده است. همچنین کتاب اهمیت و آثار شکرگزاری با تکیه بر تفسیر المیزان نوشته حسن محمدی و مقالاتی مثل ضرورت شکرگزاری از نعمت های معنوی که نویسنده آن محمدمتقی مصباح است نمونه هایی از پیشینه این تحقیق اند.

مفهوم شناسی

شکر در لغت به معنای شناخت احسان و نیکو کاری و انتشار آن است² و در اصطلاح به معنای یاد آوری و شناخت نعمت های خدا و اظهار قلبی و زبانی و عملی آنهاست³. شکر در اصطلاح اخلاق اسلامی به این معنا است که انسان بداند نعمت ها از خداوند است و به آن خرسند باشد و بر این اساس نسبت به منعم خود خیر خواه باشد، او را سپاس گوید و نعمت را در راه طاعت منعم به کار گیرد⁴ شکر، نقطه مقابل کفران و ناسپاسی است، و مفهوم آن قدردانی از نعمت ها با قلب، زبان و عمل است.

«راغب» در «مفردات» می گوید: شکر به معنی تصوّر نعمت و اظهار و ابراز آن است، بعضی گفته اند در اصل «شکر» (بر وزن کشف) بوده که به معنی ابراز و اظهار است، و «دابه شکور» به حیوانی می گویند که هرگاه مراقبت کافی از آب و علف او کنند، روز به روز چاق تر می شود، و «عین شکراء»، به معنی چشمه پر آب است، بنابراین شکر به معنی پر شدن وجود انسان از یاد بخشنده نعمت ها است. در واقع شکر بر دو گونه است: شکر تکوینی و شکر تشریعی، شکر تکوینی یعنی يك موجود از مواهبی که در اختیارش قرار دارد برای نموش استفاده کند مانند درخت که با مراقبت باغبان، گل و میوه های با ارزش به بار می آورد، و ناسپاسی یک درخت به معنی عدم ظهور آثار مراقبت و پذیرایی باغبان است

بنابراین، کسی که نعمت های الهی را در طریق عصیان صرف می کند، به طور تکوینی ناسپاسی می کند. شکر تشریعی آن است که انسان در مقام شکرگزاری، با قلب و زبان از پروردگار خود سپاسگزاری نماید. از سویی هیچ کس توان شکر نعمت های خدا را ندارد، چرا که همین توفیق شکرگزاری، فکر و عقل، زبان و دست و پای که انسان به وسیله آن شکر قلبی، لسانی و عملی را انجام می دهد همه از نعمت های خدا است و این توفیق و ابراز، هنگامی که در مسیر شکرگزاری به کار گرفته می شود نعمت دیگری است که خود نیازمند شکر دیگری است. به همین دلیل همان گونه که در روایات اسلامی اشاره شده برترین

² ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۴۳۲

³ اصفهانی، راغب، المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۶۵

⁴ نراقی، مهدی، جامع سعادات، ج ۳، ص ۲۳۳

شکر آدمی اظهار عجز و ناتوانی از شکر خدا در برابر نعمت های او است و عذر تقصیر به پیشگاه حق بردن، ورنه سزاوار خداوندی خدا را کسی نمی تواند بجای آورد.⁵

اقسام شکر گزاری

1-شکر قلبی

شکر قلبی یعنی بدانیم مدیون خدا هستیم و هر آنچه داریم از اوست، قلب شکر گذار همواره یاد نعمت ها و نعمت دهنده و تعظیم و بزرگداشت اوست و در برابر بزرگی او احساس نیاز و کوچکی می کند و با تفکر در پدیده ها و شگفتی های جهان به خضوع و خشوعش افزون میگردد. چنانچه این تشکر از صمیم قلب و اعماق وجود باشد برکات از کل کائنات به سوی شما سرازیر میشود در این شکر گزاری عمیق قلبی بخاطر احساس فرح و شادی با هستی هماهنگ و هم ساز شده و راه به سوی سعادت و رستگاری می یابد.

امام صادق می فرماید: کسی که خداوند به وی نعمتی داده و او قلبا آن را شاکر باشد، شکر آن را بجای آورده⁶ و در روایتی دیگر آمده است خداوند به بنده ای نعمتی نداده است که وی به وسیله قلبش شاکر آن باشد مگر این که خداوند آن نعمت را زیاد گرداند قبل از این که بنده، شکرش را بر زبان آورد.⁷

2-شکر زبانی

شکر زبانی شکری است که در برابر نعمت های خدا زبان به شکر باز کرده و از خداوند متعال سپاس گزاری کنیم گفتن کلمه الحمد لله، سجده شکر و... از مصداق های شکر زبانی است. امام صادق فرمودند هر گاه خداوند متعال بنده ای را از نعمت کوچک و بزرگی برخوردار کند و او بگوید الحمد لله شکر آن نعمت را به جا آورده است.⁸

امام کاظم (ع) فرمودند: وقتی کسی از شما نعمتی را به خاطر می آورد گونه برخاک نهد و شکر نماید اگر سواره است پیاده شود و چنین کند و اگر ممکن نیست یا ترس از ریا دارد گونه بر محل مرتفع زین گذارد و باز اگر امکان ندارد، گونه بر کف دست بنهد تا بدین وسیله خداوند را بخاطر آن نعمت حمد گوید⁹ و همچنین امام صادق فرمود: شکر نعمت پرهیز از محرمات است و تمام کننده شکر، الحمد لله رب العالمین است.¹⁰

3-شکر عملی

شکر عملی آن است که هر چیزی را در راهی که منطبق با منظور الهی به صرف برسانیم استفاده درست از نعمت ها و قدر دان بودن نسبت به آن ها در عمل نمونه شکر عملی است، خداوند می فرماید: وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ ۖ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۷۸) و خدا شما را از شکم مادران در حالی که چیزی نمی دانستید بیرون آورد و برای شما گوش و چشم و دل ها قرار داد باشد که سپاسگزاری کنید.¹¹

عفو و گذشت در مقابل پیروزی بر دشمن از مصادیق شکر عملی است، همان گونه که امیرمؤمنان علی (ع) می فرماید: «هنگامی که بر دشمنانت پیروز شدی، عفو و بخشش را شکرانه این پیروزی قرار بده».¹² اتفاق کردن بخشی از اموال در راه خدا نیز از مصادیق شکر عملی است، امام علی (ع) می فرماید: «بهترین شکر نعمت ها، بخشیدن آن است».¹³ عبادت و نیایش در برابر پروردگار نیز طریقه دیگری برای شکرگزاری عملی است، که در سخن امام علی (ع)، عبادت به انگیزه شکر، به عبادت آزادگان و افضل اعمال تعبیر شده است.¹⁴ آموختن علم خویش به دیگران و عمل به آن؛ شکر نعمت علمی است که خداوند به

5 مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۷۹

6 کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، جلد ۲، ص ۹۶

7 مجلسی، محمد باقر، بحار النوار، ج ۷۱، ص ۵۳

8 کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۹۶

9 مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۵

10 کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۹۵.

11 نحل، آیه ۷۸

12 حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل شیعیه، ج ۱۲، ص ۱۷۱

13 تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، مصحح: رجائی، سید مهدی، ص ۱۹۵

14 ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل رسول (ص)، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، ص ۲۴۶

عالم عنایت فرموده است. امیرمؤمنان علی(ع) در این باره می‌فرماید: «شکرگزاری عالم در برابر علمی که دارد این است که به آن عمل کند و به نیازمندان بذل نماید(به آنها آموزش دهد)»¹⁵.

شکر نعمت آن است که ابزار های معرفتی که خداوند در اختیار ما قرار داده یعنی گوش و چشم و دل را برای کسب علوم و دانش و شناخت خدا و آخرت و معاد و حکومت زندگی استفاده شود. نماز، روزه، خدمت به مردم، یتیم نوازی، کمک به محرومان و نیازمندان، تشکر از مردم از نمونه های شکر عملی است.

4-تشکر از دیگران

از دیگر نمونه ها شکر گذاری از دیگران است. تشکر از کسانی که در حق انسان ابراز لطف کرده اند و در مراتب مختلف زندگی انسان را یاری رسانده اند. در روایتی به این نکته اشاره شده که اگر بنده ای در مقابل کمک های دیگران از او تشکر نکند و فقط به شکر الهی بسنده کند حق شکر را به جای نیاورده و مواخذه میشود، بنابراین انسان ها نه تنها باید از خدای متعال تشکر کنند، بلکه در مقابل الطاف و کمک های دیگران نیز باید سپاسگزار باشند.

عمار ذهنی گفت شنیدم از علی بن الحسین علیه السلام که می‌فرمود: خداوند هر قلب اندوهگین و هر بنده بسیار شکر گذاری را دوست دارد، خداوند در روز قیامت به بنده ای از بندگان می‌فرماید آیا شکرگزار فلان فرد بودی؟ او می‌گوید در عوض تشکر از او تو را سپاس گفتم ای پروردگار خداوند فرمود تو مرا شکر نکردی چون از او تشکر نکردی سپس امام علیه السلام فرمود شکر گزارترین شما نسبت به خداوند شاکرترین شما نسبت به مردم است.¹⁶ ابزار تشکر در برابر افراد صاحب حق معنای برخوردار شدن از روحیه متوقع در برابر دیگران نیست. انسان ها هر چند باید در مواجهه با الطاف دیگران شکرگزار باشد ولی اگر در حق دیگران لطفی کرده و به آنها کمک می‌کند نباید انتظار تشکر از آنها داشته باشند. انسان مومن باید همه رفتارهای خود را با انگیزه الهی انجام داده فقط از انتظار پاداش داشته باشد. کسی که از تو در برابر نیکوکاری تشکر نمی‌کند تو را از کار نیک بی رغبت نسازد چرا که از تو کسی تشکر می‌کند که از آن بهره نمی‌برد و شکر گذاری شاکر خداوند بیش از آنچه کفران کننده خوبی کسی که تشکر نمی‌کند از بین برنده است را تدارک می‌کند و خداوند نیکوکاران را دوست دارد¹⁷

امام رضا(ع) در روایتی درباره اهمیت تشکر از دیگران آمده است: «کسی که شکرگزاری ولی نعمت خود از خلق خدا نکند شکرگزاری از خدا نکرده است؛ مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعَمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ»¹⁸ اینگونه برخورد به خصلت نهفته در این دست افراد باز می‌گردد؛ چرا که عمده فردی که دارای روحیه قدرشناسی نیست، در قبال نعمات خداوند نیز این توانایی را نخواهد داشت. بدتر اینکه دسته‌ای دیگر از افراد هستند که نه تنها در صدد جبران نعمات خداوند و نیز لطف دیگران نیستند و یا حتی با زبان آن را ابراز نمی‌کنند بلکه این نعمات و الطاف نسبت به خود را وظیفه آن‌ها قلمداد می‌کنند و یا آن محبت را به حساب دیگری می‌گذارند.

چنین افرادی معمولاً از نگاه روانشناسی رفتاری افراد خنثایی محسوب می‌شوند که دارای روحیه بی‌تفاوتی‌اند؛ این افراد معمولاً افرادی‌اند که نه تنها خیری به دیگران ندارند بلکه ممکن است رفتار منفی از خود بروز دهند و موجبات رنجش سایرین را فراهم آورند تا جایی که این ضرب‌المثل جایگاه پیدا می‌کند که «مرا به خیر تو امید نیست، شر مرسان». این یک ویژگی شخصیتی یا اخلاقی است که انسان در برخورد با آن‌ها باید مدارا و صبوری بیشتری به خرج دهند و مقابله به مثل انجام ندهند و همچنان که خداوند بنای بر تکریم انسان‌ها دارد، باید کرامت آن‌ها را حفظ کرد و این کمبود اخلاقی را با صبوری برایشان اصلاح کرد. اولین گام اصلاح نیز توقع‌زدایی از خود است؛ به این معنا که نباید در قبال خوبی کردن به دیگران توقع سپاس داشت. معمولاً والدین جزو آن دسته افرادی‌اند که بیشتر در معرض اینگونه بی‌مهری‌ها از سوی فرزندان قرار می‌گیرند که البته عمده این چالش به سهل‌انگاری در تربیت معنوی فرزند باز می‌گردد. به این ترتیب اینچنین فرزندان در برخوردهای اجتماعی ممکن است دچار این چالش رفتاری شوند و در مسئله مهمی مثل ازدواج این رفتار را در روابط همسری تسری داده و زمینه معضلات بعدی را فراهم آورند.

15 تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم ودرر الکلم، ص ۴۰۷

16 کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، جلد ۲، ص ۹۹

17 نهج البلاغه، حکمت ۲۰۴

18 ابن بابویه، محمد ابن علی، مترجم: غفاری، علی اکبر، مستفید، حمید رضا، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۴

اهمیت و فضیلت شکر

باید توجه داشت همان طور که عنوان شد «شاکر» بودن از ویژگی بارز صالحان است. خداوند وقتی قصد معرفی ابراهیم(ع) را دارد، او را شاکر نعمات خود معرفی می‌کند و می‌فرماید او «شاکراً لِّأَنْعَمِهِ» است و به فراخور آن در ادامه آیه می‌فرماید: «اجْتَبَاهُ وَ هَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ خداوند او را برگزید و مجتبی قرار داد و او را به صراط مستقیم هدایت کرد»¹⁹ اهمیت این صفت به قدری بالاست که حتی خداوند ویژگی شکر را در آیات متعدد به صورت مبالغه به خود نسبت می‌دهد به این معنا که خداوند خود در اوج شاکرین است؛ عبارات «إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ»، «إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ» و «إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ» از جمله این آیات است.

امام صادق(ع) در این باره به یکی از اصحاب خود می‌فرماید: «سجده شکر بعد از هر نماز - بر تو و هر مسلمانی لازم است (تأکیدی برای استحباب سجده شکر) و به وسیله آن، ارزش نمازت را بالا می‌بری و خداوند را از خودت راضی می‌کنی و ملائکه را متعجب می‌سازی. وقتی که بنده نماز خواند و سپس سجده شکر نمود، خداوند حجاب میان آن بنده و ملائکه را از میان برمی‌دارد و بعد هم می‌فرماید: ای ملائکه من! به این بنده‌ام نگاه کنید که واجب خود را ادا کرد و عهد خود را با من تمام نمود و بعد هم در مقابل آن نعمت‌هایی که به وی داده بودم برایم شکر نمود. پس پاداش او نزد من چیست؟ ملائکه می‌گویند: خدایا! پاداش او بهشت است. باز خداوند می‌فرماید: بعد از بهشت چیست؟ ملائکه می‌گویند: خدایا! کفایت کردن همه امور او. باز هم خداوند می‌فرماید: بعد از آن چیست؟ باز ملائکه خیری را پیشنهاد می‌کنند و این عمل تکرار می‌شود تا همه چیزها را ملائکه می‌گویند. باز هم خداوند می‌فرماید: بعد از آنها چیست؟ ملائکه می‌گویند: خدایا! ما دیگر نمی‌دانیم. خداوند می‌فرماید: من از او تشکر می‌کنم همان طوری که او از من تشکر کرد. و با فضل خودم به وی رو می‌آورم و رحمتم را به وی نشان می‌دهم».²⁰ در حدیث دیگری امام صادق(ع) فرمود: «إِيْمَا مُؤْمِنٍ سَجَدَ لِلَّهِ سَجْدَةً لِشُكْرِ نِعْمَةٍ مِنْ غَيْرِ صَلَاةٍ كَتَبَ اللَّهُ بِهَا عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ مَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ وَ رَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ فِي الْجَنَّةِ، هر بنده‌ای که برای تشکر از نعمتی به غیر از نماز سجده کند خدا برای او ده حسنه مکتوب می‌کند، ده گناه از او می‌بخشاید و ده درجه در بهشت برای او بالا می‌برد».²¹ امام زمان(عج) در پاسخ به سؤال محمد بن عبدالله حمیری فرمود: «سَجْدَةُ الشُّكْرِ مِنْ أَلْزَمِ السُّنَنِ وَ أَوْجَبِهَا... فَإِنَّ فَضْلَ الدُّعَاءِ وَ التَّسْبِيحِ بَعْدَ الْفَرَايِضِ عَلَى الدُّعَاءِ بِعَقِيبِ النَّوَافِلِ، كَفَضْلِ الْفَرَايِضِ عَلَى النَّوَافِلِ، وَ السَّجْدَةُ دُعَاءٌ وَ تَسْبِيحٌ، سجده شکر، از لازم‌ترین و واجب‌ترین مستحبات الهی است... همانا، فضیلت دعا و تسبیح پس از واجبات بر دعای بعد از نوافل، همانند فضیلت واجبات بر نوافل است. سجده، دعا و تسبیح است».²²

در حدیث دیگری آمده است: قال مولانا الامام المهدي-عجل الله تعالی فرجه الشریف- :

(سَجْدَةُ الشُّكْرِ مِنْ أَلْزَمِ السُّنَنِ وَ أَوْجَبِهَا ... فَإِنَّ فَضْلَ الدُّعَاءِ وَ التَّسْبِيحِ بَعْدَ الْفَرَايِضِ عَلَى الدُّعَاءِ بِعَقِيبِ النَّوَافِلِ، كَفَضْلِ الْفَرَايِضِ عَلَى النَّوَافِلِ، وَ السَّجْدَةُ دُعَاءٌ وَ تَسْبِيحٌ) سجده ی شکر، از لازم ترین و واجب ترین مستحبات الهی است ... همانا، فضیلت دعا و تسبیح پس از واجبات بر دعای بعد از نوافل، همانند فضیلت واجبات بر نوافل است. سجده، دعا و تسبیح است.

شرح حدیث شریف، قسمتی از پاسخ امام مهدی(علیه السلام) به سؤال های محمد بن عبدالله حمیری است. حضرت، در این کلام، به اهمیت یکی از مستحبات، یعنی سجده ی شکر اشاره می‌کند و بعد از آن به دعا و تسبیح بعد از فرایض پرداخته، فضیلت آن را مانند فضیلت فریضه بر نوافل می‌داند و نیز اصل سجده و قرار دادن پیشانی بر خاک را در اجر و ثواب به منزله ی دعا و تسبیح می‌داند.

از بررسی آیات و احادیث به دست می‌آید که همه ی واجبات و یا همه ی مستحبات، در يك سطح و اندازه نیستند؛ مثلاً اهمیت نماز، در میان واجبات، از همه بیش تر است؛ زیرا، قبولی اعمال، به قبول شدن نماز بستگی دارد. در میان مستحبات - برابر این حدیث - اهمیت سجده ی شکر، از همه ی مستحبات بیش تر است. شاید علت، این باشد که سجده ی شکر، کلید افزایش و تداوم نعمت است.

حضرت(علیه السلام) در این حدیث به چند نکته اشاره می‌فرماید:

1. سجده ی شکر، زمان و مکان خاصی ندارد، ولی با توجه به این حدیث، بهترین زمان برای این کار بعد از نمازهای واجب و نوافل است.

19 نحل ۱۲۱

20 شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۲۳

21 شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۶۰

22 مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۶۱

بالاخره در آیات 15 به بعد سوره سبأ اشاره به داستان قوم سبأ می کند هنگامی که توفیق الهی شامل حالشان شد و توانستند با ایجاد سدّ عظیمی در میان کوه هایی در سرزمین یمن آب های فراوانی ذخیره کنند، و باغ های بسیار سرسبز و خرّم فراهم سازند. زندگانی آنها غرق نعمت و شادی شد، ولی راه ناسپاسی پیش گرفتند، گروه مرفّه بر گروه مستضعف ظلم و ستم روا داشتند، و سرانجام آن سدّ عظیم شکست، باغ هایشان ویران گشت، و چنان پراکنده شدند که قرآن مجید در آیه 19 این سوره می فرماید: «فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَ مَرَقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَرَّقٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ»؛ (ولی [این ناسپاس مردم] گفتند: پروردگارا! میان سفرهای ما دوری بيفكن [تا بينوايان نتوانند دوش به دوش اغنيا سفر كنند! و به اين طريق] آنها به خويشتن ستم كردند! و ما آنان را داستانهاي [برای عبرت ديگران] قرار داديم و جمعيّشان را متلاشي ساختيم در اين ماجرا، نشانه های عبرتی برای هر صابر شکرگزار است).

این که در انتهای آیه می فرماید: «در این ماجرا، نشانه های عبرتی برای هر صابر شکرگزار است»، به این دلیل است که آنها با دقت و تأمل، نکات بسیاری از این ماجرا به دست می آورند: از یکسو این حقیقت ثابت می شود که فاصله زندگی و مرگ انسان بسیار کم است تا آن جا که مرگ او در دل زندگی نهفته است. همان آب های فراوانی که آن آبادی و عمران و تمدن قوم سبأ را به وجود آورد يك روز وسیله نابودی آنها شد! از سوی دیگر نهایت ضعف این انسان مغرور را نشان می دهد، چرا که می گویند سدّ عظیم قوم سبأ که «سدّ مأرب» نام داشت، به وسیله موش های صحرایی سوراخ شد. ابتدا روزنه کوچکی به وجود آمد و با عبور آب تدریجاً وسیع تر گشت، و سرانجام سدّ را در هم شکست؛ و به این ترتیب می بینیم چند موش صحرایی تمدن عظیمی را به نابودی کشاندند!

از سوی سوّم مستکبران قوم سبأ که نمی توانستند توده های جمعیت را در کنار خود ببینند و گمان می کردند باید میان اقلیت اشرافی و اکثریت مستضعف همیشه سدّ عظیمی به بزرگی «سدّ مأرب» باشد، از خدا تقاضا کردند که شهرها و آبادی آنها را از هم دور سازد تا افراد عادی نتوانند به راحتی بار سفر ببندند و در کنار آنها به مسافرت پردازند و این امتیاز برای آنها همیشه باشد! «فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا» ولی خداوند آنها را چنان متلاشی کرد که این پندارها را برای همیشه از سر بدر کنند. از سوی چهارم زندگی مرفّه آنها را از یاد خدا غافل ساخت، و هنگامی از مستی غرور به هوش آمدند که همه چیز پایان یافته بود و زبان حالشان این بود: ای روزگار عافیت! شکر نگفتم لاجرم *** دستی که در آغوش بود اکنون به دندان می گزم! به این ترتیب با حوصله و شکیبایی و استفاده از عقل و خرد می توان به آیات فراوانی در این داستان دست یافت.

از آیات فوق این حقیقت به وضوح روشن می شود که هرکس در مطالعه اسرار آفرینش و همچنین اسرار زندگی اجتماعی بشر دقیق تر و شکیباتر باشد و روح شکرگزاری، یعنی استفاده از وسائل معرفت بر وجود او حاکم گردد سهم بیشتری از معرفت و شناخت نصیب او می شود و به همین دلیل صبر و شکر از جمله زمینه های مؤثر معرفت است.³⁶

علل ناشکری

۱. داشتن آرزوهای دراز

داشتن آرزو دراز، انسان را به آنچه ندارد و شاید هرگز هم به آنها نرسد، دلبسته و امیدوار می کند. به همین جهت آدمی نعمت های الهی را که در دست دارد، کوچک می شمرد و نسبت به آنها بی اعتناست و شکر آنها را بجا نمی آورد، لذا پیامدهای شوم کفران نعمت در دنیا و آخرت گریبانگیر او می شود. امام علی علیه السلام می فرماید: از آرزوهای دراز بهره یزید که زیبایی نعمت های الهی را از نظر شما می برد و آنها را نزد شما کوچک می کند و به کمی شکر (و کفران نعمت) از سوی شما منتهی می شود.³⁷

۲. عدم معرفت نسبت به نعمت ها:

گاهی قصور در شکر نعمت ها از این سرچشمه می گیرد که انسان نسبت به نعمت ها، معرفت کامل و وافی ندارد و اصولاً به نعمت های الهی نمی اندیشد. توجه به نعمت های مادی و معنوی از جمله هدایت انبیاء و نزول کتاب آسمانی و... به انسان نشان خواهد داد که خداوند چه مواهب عظیمی را در اختیار او قرار داده است³⁸ و موجب برانگیخته شدن حس شکرگزاری در انسان خواهد شد، اما متأسفانه بشر تا نعمتی از او سلب نشود قدر و منزلت آن را ندانسته و شکر آن را بجا نمی آورد.

³⁶ Makarem.ir

³⁷ تمیمی آمدی، عبدالواحدین محمد، غرر الحکم ودرر الکلم، ترجمه: هاشم رسولی، ج ۴، ص ۶۳۰ حدیث ۱۳۷۵

³⁸ مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۶۳ و ۶۴

۳. ناچیز شمردن نعمت ها:

یکی دیگر از عوامل ناشکری، به حساب نیاوردن نعمت های ارزشمند خداوند است که در اختیار ما قرار داده است و ادعا کردن به این که خداوند نعمتی به من نداده است. لذا خداوند در قرآن کریم درباره فزونی نعمت ها می فرماید: «وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصَوْهَا»؛ اگر نعمت های خدا را بشمارید، هرگز نمی توانید آن را شمارش کنید³⁹.

۴. مقایسه کردن خود با سایر افراد:

یکی دیگر از عوامل ناسپاسی و کفران نعمت مقایسه کردن سطح زندگی افراد با هم است. هر چقدر توجه انسان نسبت به زندگی دیگران بیشتر می شود، به همان اندازه توجه و رضایتش از زندگی خود کاسته می شود و به مرور زمان و با پیش روی آن منجر به کفران نعمت و طلبکاری از خداوند می گردد.

در تحقیق حاضر آثار شکرگزاری مورد بررسی قرار گرفت و طبق فرمایشات تقلین قرآن کریم و اهل بیت علیه السلام آثار شکرگزاری بیان شد آنچه از تحقیق حاضر به دست می آید این است که شکر عامل خوشبینی و استغناء انسان است و برترین شکرگزاری اظهار عجز و ناتوانی از شکر در برابر نعمت هایش است همچنین شکر به خضوع و خشوع انسان می افزاید و انسان را به تفکر وادار می دارد تا با هستی هماهنگ شده و راه سعادت را در پیش گیرد، شکرگزاری خود نعمتی است که خداوند به انسان عنایت فرموده است شکرگزاری به ازدیاد نعمت می افزاید و رشد معنوی و اخلاقی را در پی دارد. شکر از ویژگی های بارز صالحان است و افراد شکر گزار مسئولیت پذیرتر و با تعادل تر اند، و معیشت خود را نیز با رضایت و قناعت تنظیم میکنند. همچنین شکر اجتماعی زمینه هم دلی و هم کاری را فراهم می کند و استرس را از بین میبرد. خداوند در قرآن کریم خود را بزرگ ترین شاکران دانسته است.

استدراج

یکی از آثار ناشکری و ناسپاسی، افزایش نعمت الهی در دنیا برای برخی است، چنین افزایش نعمتی موجب می شود انسان بیش از گذشته در حالت غفلت بماند و امکان رجوع و انابه وی کم گردد. این حالت که در اصطلاح «استدراج» نامیده می شود، انسان غافل را لحظه به لحظه، به وادی نیستی نزدیکتر نموده و در چاه هلاکت عمیق تری فرو خواهد برد، به طوری که پس از مدتی احساس می کند کار از کار گذشته و نابودی وی حتمی است و راه بازگشتی وجود ندارد.

امام حسین علیه السلام می فرماید: **الْأَسْتِدْرَاجُ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ لِعَبْدِهِ أَنْ يَسْبَغَ عَلَيْهِ الْيَعْمَ وَ يَسْلِبَهُ الشُّكْرَ**.⁴⁰

استدراج از خداوند سبحان برای بنده اش به این است که نعمت را به سوی او روانه کند و توفیق شکر نعمت را از او سلب نماید.

از امام صادق علیه السلام، تفسیر آیه شریفه: ... **سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ**.⁴¹ را پرسیدند، امام علیه السلام فرمودند:

هُوَ الْعَبْدُ يَذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَمْلِكُ لَهُ وَ يَجِدُّ لَهُ عِنْدَهَا النِّعَمَ فَيُلْهِمُهُ عَنِ الْأَسْتِغْفَارِ مِنَ الذُّنُوبِ فَهُوَ مُسْتَدْرَجٌ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُ.⁴²

آن بنده ای است که گناهی مرتکب می شود و به وی مهلت داده شده و نعمت هایش اضافه می گردند و همین موجب می شود از استغفار برای گناهان باز بماند، پس او از جایی که نمی داند گرفتار می گردد. همین معنا از آیه ذیل قابل استفاده است.

... **لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ**.⁴³ اگر شکرگزاری کنید نعمت هایتان افزوده می شود و اگر کفران نعمت کنید مجازاتم سنگین است.

در این آیه شریفه، اضافه شدن نعمت به عنوان اثر شکر ذکر شده است، ولی کمبود نعمت و نقص آن به عنوان اثر کفران مطرح نشده است، بنابراین چه بسا، نعمت بر ناشکر زیاد شود و خواسته هایش به وی اعطا و دعا هایش مستجاب گردد، و زندگی به ظاهر خوبی داشته باشد، ولی پایان این زندگی، عذاب قهر الهی است که می بایست در قیامت با آن روبرو شود.

39 نحل ۱۸

40 مجلسی، محمدباقر، بحار النوار، ج ۷۸، ص ۱۲۷

41 اعراف ۱۸۲، قلم ۴۴

42 کلینی، محمد بن یعقوب، مترجم کمره ای، محمد باقر، اصول کافی، ج ۲، ص ۴۵۲

43 ابراهیم ۷

شکر، نگهبان و حافظ نعمت مؤمن است. این که دیده می‌شود نعمت انسان‌های ناسپاس نیز گاهی برقرار است به بیان قرآن کریم برای استدراج است، یعنی: نعمت وسیله‌ای برای دورتر شدن او از خدا می‌گردد. شخصی که به مفهوم استدراج در قرآن توجه کرده بود، آنجا که خداوند می‌فرماید: «ما توبه و استغفار را از یاد آنها می‌پریم»، نزد امام صادق (علیه‌السلام) آمده، عرض می‌کند: من از خدای عزوجل مال خواستم به من روزی کرد، فرزند خواستم به من عطا فرمود، منزل خواستم نصیبم کرد، می‌ترسم این استدراج باشد که خدا نعمتی دهد و توبه و استغفار را از یاد ما ببرد، حضرت می‌فرماید: به خدا قسم با حمد و سپاس خدا، استدراج تحقق نمی‌یابد. امام باقر (علیه‌السلام) می‌فرماید: چون شخص گرفتار و دردمندی را دیدی، به نحوی که او نشنود سه بار بگو: حمد خدایی را که مرا از آنچه تو را مبتلا ساخته معاف نمود، هر کس این را بگوید آن بلا به او نمی‌رسد.⁴⁴

نتیجه:

خداوند مهربان و حکیم که امور ما را از پیش از تولد با هدایت و حکمت خویش سامان داده است و پس از ولادت از مهلکه‌های بیشمار نجات بخشیده و نیز با تقدیر خود گره‌های بسیاری از زندگی‌ها گشوده است، شایسته‌ترین کسی است که می‌توانیم به او دل ببندیم و به او خوشبین باشیم شایسته است که در مجموع بی‌نهایت لطف و مهربانی، که نثار این بندگان قاصر کرده است چنانچه تعدادی انگشت‌شمار از ناملایمتهای و ناخوشی‌های بر اساس مصلحت و حکمتش متوجه زندگی مادی و زودگذر ما شده است آن را به دیده امتنان بنگریم و مطمئن باشیم در پس این کاسه شکستن‌ها میلی از جانب محبوب نهفته است یا در این دنیا از رهگذر این سختی با بخشیده شدن گناهان به مقام معنوی و رشدی اخلاقی نائل می‌گردیم یا در آخرت سرمایه بی‌پایانی از نعمت و بشارت بدی در انتظار ماست به راستی با این نگاه هر بلایی شکری ندارد با این تغییر نگرش همواره به نعمت‌های خدا که توجه خواهیم داشت و برخی از رنج‌ها نه تنها مانع شکر نخواهد شد بلکه بر روحیه انکسار و سپاسگزاری ما خواهد افزود از امام حسن عسگری علیه السلام درباره توأم بودن بلا و نعمت روایت شده است مامن بَلَاءٍ إِلَّا وَاللَّهِ فِيهَا نِعْمَةٌ تُحِيطُ بِهَا هِيَ بِلَايٍ نَيْسَتْ مَكْرَ اَيْنَكِه نَعْمَتِي اَز جَانِب خدَا اَن بَلَا رَا اَحَاطَه كَرْدَه اِسْت. ⁴⁵ امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در حدیثی می‌فرماید: «حُسْنُ الظَّنِّ مِنْ أَفْضَلِ السَّجَايَا وَ أَجْزَلِ الْعَطَايَا»⁴⁶؛ (حسن ظن از بهترین صفات انسانی و پربارترین مواهب الهی است).

در تحقیق حاضر آثار شکرگزاری مورد بررسی قرار گرفت آنچه از تحقیق حاضر به دست می‌آید این است که شکر عامل خوشبینی و استغناء انسان است و برترین شکرگزاری اظهار عجز و ناتوانی از شکر در برابر نعمت‌هایش است همچنین شکر به خضوع و خشوع انسان می‌افزاید و انسان را به تفکر و امید دارد تا با هستی هماهنگ شده و راه سعادت را در پیش گیرد، شکرگزاری خود نعمتی است که خداوند به انسان عنایت فرموده است شکرگزاری به ازدیاد نعمت می‌افزاید و رشد معنوی و اخلاقی را در پی دارد. شکر از ویژگی‌های بارز صالحان است و افراد شکر گزار مسئولیت پذیرتر و با تعادل تر اند، و معیشت خود را نیز با رضایت و قناعت تنظیم میکنند. همچنین شکر اجتماعی زمینه هم دلی و هم کاری را فراهم می‌کند و استرس را از بین می‌برد. خداوند در قرآن کریم خود را بزرگ ترین شاکران دانسته است.

Tebyan.net 44

45 تحریری، محمدباقر، اخلاق بندگی، ص ۱۱۷

46 تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم در الکلم، مصحح: رجائی، سیدمهدی، ص ۳۴۵

فهرست منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ابن بابويه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، مترجم: غفاری، علی اکبر، مستفید، حمید رضا، دارالکتاب الاسلامیه، بی جا، ۱۳۸۴
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، بی نا، بی جا، بی تا
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل رسول، مصحح: غفاری، علی اکبر، مترجم: جعفری، بهراد، صدوق، بی جا، ۱۳۷۸
- اصفهانی، راغب، المفردات فی غریب القرآن، الکتاب، بی جا، ۱۴۰۴ق
- العروس الحویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر النور الثقلین، مصحح: رسول محلاتی، سید هاشم، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ق
- تحریری، محمد باقر، اخلاق بندگی، هاجر، قم، ۱۳۹۶
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم ودرر الکلم، مصحح: رجائی، سید مهدی، دارالکتاب الاسلامیه، بی نا، بی جا، بی تا
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، آل بیت الاحیاء التراث، بی جا، بی نا، ۱۳۶۷
- شیخ صدوق، من لایحضر الفقیه، اسلامی، قم، ۱۴۱۳
- _، _، علل الشرائع، بی نا، بی جا، بی تا
- علامه حلی، حسن بن یوسف، نهج الحق وکشف الصدق، دارالکتاب البنانی، بیروت، ۱۹۸۲
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، المحجه البیضاء، جماعه المدرسین بقم موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۷ق
- قمی، عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار مع تطبیق النصوص الوارده فیها علی بحار النوار، اسوه، بی جا، بی تا
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، مترجم: کمرهای، محمد باقر، اسوه، قم، ۱۳۷۵
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، وفاء، بی جا، ۱۴۰۳
- مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، قم، ۱۳۷۷
- نراقی، مهدی، جامع السعادات، بی نا، بی جا، بی تا

سایت ها:

- www.imna.ir
- www.makarem.ir
- www.pasokh.org
- www.tebyan.net

